

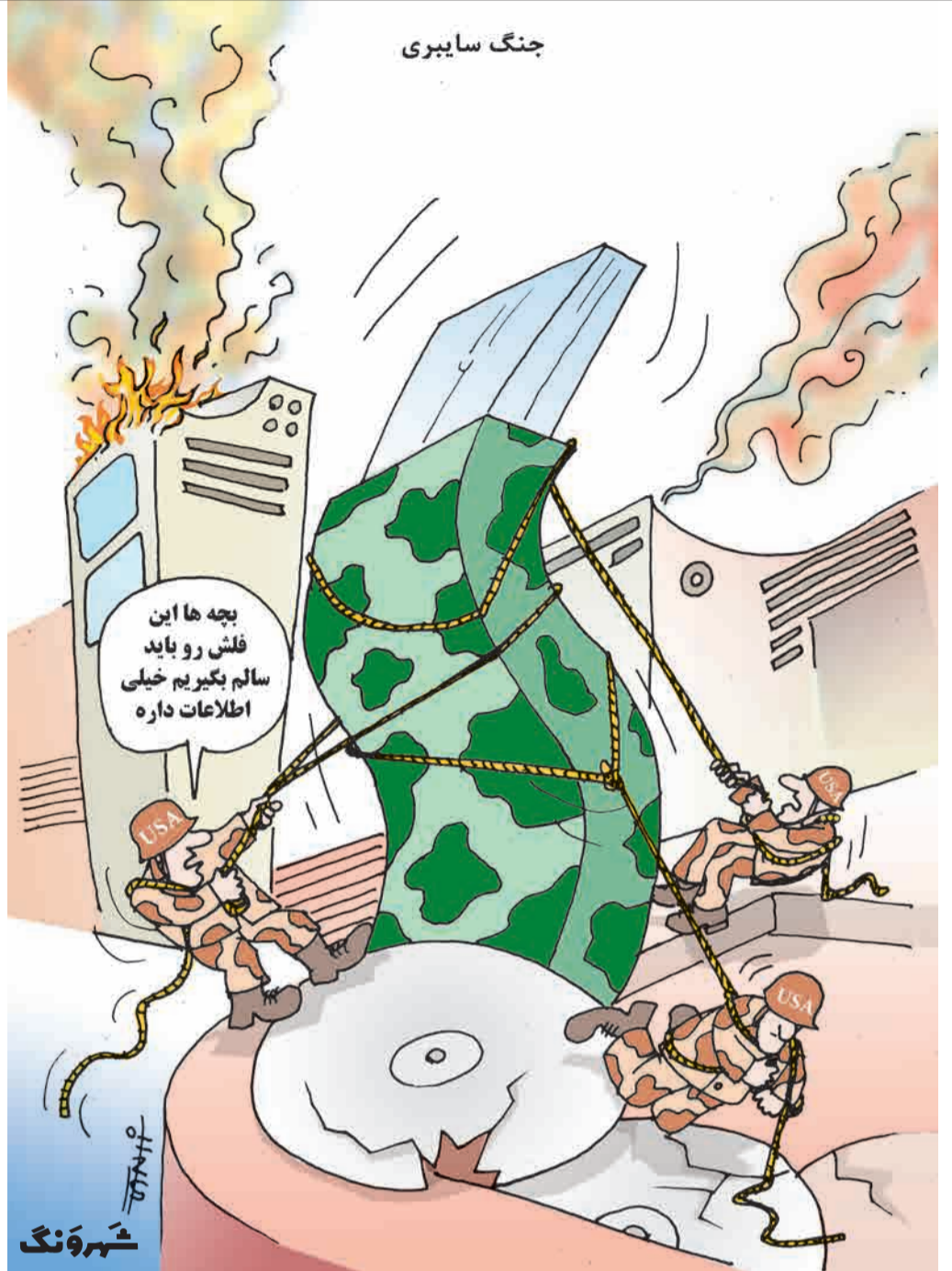
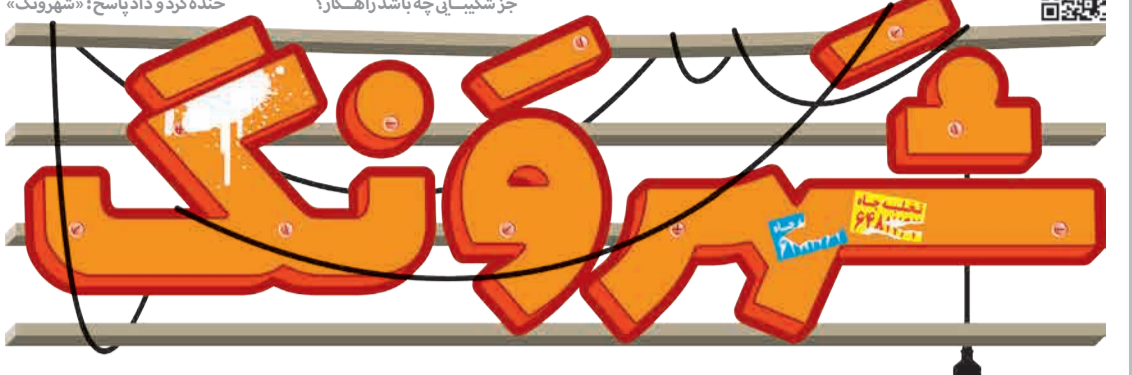
**تماشاخانه**

کیوان زرگری | کارتون‌نویس | keyvanzargari@yahoo.com



پیراگتتم: به ماشد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟  
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره نهصد و سوم



۱۰۰۰ کارمند عراقی به علت اعتراض مردم به فساد از کار برکنار شدند

# یک کارمند عراقی: «حالا دو تا اختلاس کردیم چرا شلوغش می کنید؟!»

◀ یک عراقی در کانادا: «آدم پول نفت رو که می بینم، از خود بخود می شه!»  
◀ رئیس اداره مبارزه با فساد عراق: «من رفته بودم توشون تا از عمق فاجعه باخبر بشم!»  
◀ یک مسئول: «اگه زد و قضاوت نمی کردید آخر سر متوجه می شدید که قصدشون خدمت بوده!»  
◀ یک کارمند: «شاید سیستم شون قطع بوده یا دهن شون تلخ بوده و شیرینی می خواستند!»  
◀ مردم: «یه چند هزار تا دیگه بنذار بدروش که ما هم راضی باشیم!»  
#فساد\_عامل\_اصلی\_بدبختی\_است #شهر ونگ

# تهران: «شما یه کم راه تنفسم رو باز کنید، نمی خواد واسم مر اسم بگیرید!»

◀ آلودگی هوا: «به همین مناسبت فردا یه هاله دود جدید و استون می فرستم!»  
◀ خودروها: «به نقشش نگاه نکنید، هر چی می ریزیم تو خیابوناش، باز ما جادارها!»  
◀ یک بساز و بفروش: «هنوز جاداره، الکی ادای جاندار هارو در میاره!»  
◀ موش های تهران: «ولی در دست ترش این بود ما مر اسم بگیریم، بالاخره خیلی از شما بیشتریم!»  
◀ شهرداری: «خواستیم جلوی برادر... خواهر خونده هاش، احساس کمبود نکنه!»  
◀ شمال: «حتما به مناسبت هفته تهران می خوا بدید یا شمال؟!»  
#تهران\_بیچاره #تهران\_جا\_نداره #شهر ونگ

تقویم تاریخ ۱۳

## صد و سیما قایقی که هر کسی در آن جای خودش را سوراخ می کند

وحید میرزایی  
طنزنویس

یک قسمت از اقیانوس یا دریا را تصور کنید که چند جزیره خودمختار دارد و هر جزیره هر کاری دلش می خواهد انجام می دهد. یا یک قایق را تصور کنید که چند سرنشین دارد و هر کس در قایق صرفا جای خودش را سوراخ می کند. به هر حال جای خودش است. دوست دارد سوراخ کند. خوب که چه؟ هیچی همین جور نمی دانستم متن را چطور شروع کنم، اینها را نوشتم. هفته گذشته در یکی از بخش های خبری، استاد حیاتی خبری را قرائت کرد که در آن از اصطلاح «انگلیس نشسته بر آره» استفاده کرد و واکنش های زیادی را در پی داشت. حالا فارغ از این که تنظیم کننده های خبر دقیقا چرا از فیلم های ژانر وحشت در تنظیم خبر استفاده می کنند و آخر چرا آره؟! چند روز بعد استاد حیاتی در مصاحبه ای گفت «در خواندن «نشسته بر آره» اختیاری نداشتیم.» الهی بگردم! خوب راست می گوید. این بنده خداها اختیاری ندارند. مجبورند می فهمید، مجبور. در همین راستا با این وضعیتی که واحد خبر صد و سیما دنبال می کند، پیش بینی می کنیم آقای حیاتی مجبور شود خبرها را این گونه به سماع و نظر بینندگان عزیز برساند:

خبر: اتحادیه اروپا آمریکا را تهدید به تحریم کرد.  
حیاتی: اتحادیه اروپا، که سال ها همچون گوسفند دنباله روی آمریکا بود، در پی اقدامات ترامپ، آمریکا را تهدید به تحریم کرد. آمریکا و اروپا همچون سگ و گربه به هم بریده اند.

خبر: پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه ای گفت «راهبرد ما محروم کردن کشورها از ثروت هایشان است.»  
حیاتی: پمپئو گل زیادی خورد. در پی آشفتنگی بسیار زیاد در میان سیاستمداران آمریکا، پمپئو وزیر خارجه زشت و بدقیافه آمریکازر زیادی زد و دهان بدبوییش را باز کرد. لازم به ذکر است به خاطر فقر و تنگدستی و نیز بحران وال استریت، پمپئو و دیگر دولتمردان قادر به خرید مسواک و خمیردندان نیستند و دهان شان بوی تعفن می دهد.

## خار مغیلان

### اخبار بی ادبی مهم

آیدین سیار سریع  
طنزنویس

گاهی از بعضی آدم ها انتظار بعضی حرف ها را نداری. مثلا گاهی پیش می آید که یک انسان متشخص شسته و رفته عصا قورت داده هنگام عصبانیت حرفی می زند که تشنگ آدم می پرد ولی بالاخره آدم می گوید طرف عصبانی بوده و در عصبانیت حرفی زده که برای هر کسی ممکن است پیش بیاید. اما چیزی که بشر را بیشتر سورپرایز می کند، این است که یک انسان متشخص عصا قورت داده وقتی کاملا ریلکس و خون سرد است، شروع می کند به بددهنی. مثلا شما فکر کنید دارید با استاد ادبیات درباره تاریخ ادب پارسی صحبت می کنید، یهو استاد بر گردد و بگوید من ننه این بیگانگان را به عزایشان می نشانم. خوب خیلی عجیب است دیگر! حالا فکر کنید یک عمر ما آقای حیاتی را دیده ایم که با یک میمیک صورت لایتغیر و در کمال خونسردی اخبار می گفته و حالا بیاید خارج از آن چهارچوب صحبت کند. یعنی تصویری که من از آقای حیاتی دارم این است که ایشان در همه حال مثل اخبار صحبت می کنند. مثلا تصور کنید آقای حیاتی در ساختمان محل زندگی شان اصغراقا را می بیند که می گوید لوله تر کیده و باید لوله کش بیاروند و خرابی ها را درست کنند. آقای حیاتی می روند خانه به همسرشان می گویند: به نام خدا... سلام... اهل منزل پاسخ سلام را می دهند و آقای حیاتی

## شهر نگار

### جورج گراس؛ طراح روشنفکر معترض

بیجی تیدین - جورج گراس (George Grosz)  
سال ۱۸۹۳ در برلین به دنیا آمد. او تحصیلات خود را در آکادمی هنر درسدن ادامه داد. گراس جزو آن دسته هنرمندانی است که نقش خود را به عنوان یک روشنفکر معترض در مقابل جنایات رژیم سرکوبگر نازی به خوبی ایفا کرده است. طرح ها، نقاشی ها و تصویرسازی های او علاوه بر توصیف وضع اسفناک انسان های فرودست، تلاش دارد که چنین شرایطی را با طنزی تلخ در مقابل نگاه مخاطبان قرار دهد. وی در سال ۱۹۳۳ قبل از آن که به دست نیروهای نازی اسیر شود به آمریکا نقل مکان کرد. گراس با شروع زندگی تازه، سبک طراحی و حتی موضوع آثار خود را نیز به مرور تغییر داد. او در طرح های جدید خود بیش از آن که به وضع مردم جنگ زده و فساد و خوشگذرانی های طبقه مرفه کشورش بپردازد، به دنبال ترسیم لحظات شیرین زندگی در آمریکا رفت. با این حال وی همچنان نسبت به آرمایان حق طلبانه و همدردی با طبقه کارگر وفادار ماند. گراس در سال ۱۹۵۹ اندکی پس از بازگشت مجدد به آلمان در ۶۵ سالگی درگذشت. آثار او هم اکنون در موزه های بزرگ دنیا از جمله گالری ملی هنر واشنگتن و موزه هنرهای مدرن نیویورک نگهداری می شود.

